

حفظ ولایت یعنی زنده ماندن دین

انسان کامل، کامل‌ترین کتاب تکوینی خدای سبحان است و تفسیر عمیق و تعریف راستین چنین کتابی همانند تبیین کتاب تدوینی خداوند، تنها میسر نگارنده آن و سفیران برگزیده اوست.



انسان کامل، کامل‌ترین کتاب تکوینی خدای سبحان است و تفسیر عمیق و تعریف راستین چنین کتابی همانند تبیین کتاب تدوینی خداوند، تنها میسر نگارنده آن و سفیران برگزیده اوست.

تفسیر کتاب‌های خدا اگر به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد به جای تعریف، تحریف می‌شود. پس چنان‌که تعریف راستین نبی، تنها میسر خدای نبی آفرین است؛ « الله اعلم حیث یجعل رسالته»، تفسیر حقیقی وصی نیز فقط در توان خدای وصی آفرین است. از این رو، بهترین معرف وجود مبارک سید اوصیا و امیر اولیای الهی، فاتح ولایت، یادگار رسالت و زمامدار هدایت، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) در مرتبت نخست، هستی بخش فیض بزرگ وجود او، خدای سبحان است و در مرتبت بعد سفیرانی چون رسول گرامی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و خود آن امام همام.

برترین نعمت معنوی

نعمت‌های معنوی مراتب و درجاتی دارد که برترین آنها نعمت رسالت و امامت است. از این رو، در قرآن کریم از هر دو نعمت به «منت» (نعمت سنگین و توان‌فرسایی که حمل و هضم آن دشوار باشد، نه منت زبانی) یاد می‌کند؛ درباره رسالت و بعثت پیامبران می‌فرماید: «لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم» و درباره امامت نیز می‌فرماید: «ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین»؛ زیرا پیامبران و امامان تأمین‌کنندگان سعادت ابدی انسان هستند.

فرشتگان با همه قداست و شرافتی که دارند، تنها واسطه فیض هستند و نمی‌توانند هدایت و رهبری مستقیم جامعه بشری را برعهده بگیرند. موجود کامل و جامعی که می‌تواند فیض الهی را معصومانه از خدا دریافت کند و معصومانه به جوامع بشری ابلاغ کند و خود نیز معصومانه به آن عمل کند، انسان کامل مانند پیامبر و امام است. از این رو خدای سبحان در قرآن کریم بر نبوت و امامت که جامع آن دو «ولایت» است، تکیه کرد و آن را مورد امتنان قرار داد، در حالی که درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین و بهشت و قیامت به «منت» یاد نکرد؛ زیرا آسمان‌ها و زمین گرچه بزرگ است، لیکن در برابر نعمت سنگین و توان‌فرسای رسالت و امامت کوچک است.

در قرآن کریم تنها درباره جریان غدیر خم و ولایت امیرمؤمنان (علیه‌السلام) تعبیر منحصر به فرد «اتمام نعمت» آمده است: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی». سخن از «انعمت علیکم» نیست، بلکه خداوند می‌فرماید: «اتممت علیکم نعمتی»؛ نعمتم را بر شما تمام کردم؛ یعنی همان طور که نبوت و رسالت پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) کامل‌ترین نبوت و رسالت است و پس از آن نبوتی نیست، ولایت و امامت علی و اولاد علی (علیهم‌السلام) نیز کامل‌ترین ولایت و امامت است و پس از آن امامتی نیست. از منظر قرآن کریم در غدیر خم که عید بزرگ ولایت است، نعمت‌های معنوی الهی به برترین حد و بالاترین نصاب خود رسید. حال چون نعمتی برتر از ولایت علی و اولاد علی (علیه‌السلام) نیست، عید غدیر برترین اعیاد امت اسلامی است و اعتقاد به ولایت تکوینی و تشریحی امامان معصوم (علیهم‌السلام) و باور داشتن وساطت و شفاعت و وسیله بودن آنان از مهم‌ترین برکاتی است که نصیب امت اسلامی شده است.

امامت، تداوم رسالت

خدای سبحان، امامت را ادامه رسالت و همتای آن می‌داند. از این رو در حادثه جهانی غدیر خم به پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: اگر نصب علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) را به دست خود انجام ندهی و ولایت را تبیین نکنی، اصلا به رسالت الهی عمل نکرده‌ای؛ یعنی رسالت منهای امامت معادل با رسالت منهای رسالت است، زیرا آنچه اساس رسالت را حفظ می‌کند، همان امامت است.

بهترین معرف برای عظمت روز غدیر و حادثه جهانی این روز قرآن و عترت است. چه حادثه‌ای در روز هجدهم ماه ذیحجه در سرزمین غدیر رخ داد که این روز را برای ابد عید کرد؟ خدای سبحان در سوره مائده به رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس». گرچه پیامبر دارای مقام نبوت است، لیکن در این پیام آسمانی رسالت او مطرح است. از این رو با خطاب «یا ایها النبی» آغاز نشد. این جمله نورانی

بدین معناست که تو رسول خدایی و رسالتات به پایان خود نزدیک می‌شود. اکنون اگر امامت و خلافت امیر مؤمنان علی(علیه‌السلام) را ابلاغ نکنی، اصلاً آن رسالت الهی را ابلاغ نکرده‌ای و دیگر در صف مرسلان نخواهی بود: «و ان لم تفعل فما بلغت رسالته». در این جمله چون رسالت رب مطلق است و هیچ قیدی ندارد، بدین معناست که در صورت عدم تبیین امامت و نصب امام، دیگر سمت رسالت نخواهی داشت و اصلاً به وظیفه و رسالت الهی خود عمل نکرده‌ای، زیرا امام و امامت تضمین‌کننده اصل دین است. حاصل اینکه مراد این نیست که اگر رسالت نصب جانشین را نادیده گرفتی، خصوص این رسالت را نرسانده‌ای، بلکه مراد این است که اگر رسالت ولایت و خلافت علی(علیه‌السلام) را ابلاغ نکردی، رسالتات را هرگز ایفا نکرده‌ای.

روز نومی‌دی کافران

پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر از مردم پرسید: آیا به رسالت الهی خود عمل کردم و آیا نسبت به شما اولی و والی هستم؟ حاضران گفتند: آری. آنگاه فرمود: هر کس من والی و سرپرست اویم، علی(علیه‌السلام) والی اوست: «من کنت مولاه فعلی مولاه». در این زمینه آیه سوم سوره مبارکه مائده نازل شد و اعلام داشت که امروز کافران از کارشکنی در دین شما نومید شدند. پس از ایشان مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما برگزیدم: «الیوم بیئس الذین کفروا من دینکم فلاتخشوهم واخشون الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دیناً». در این آیه دوبار واژه «الیوم» آمده است. در قرآن کریم کلمه «یوم» و «یومئذ» اغلب درباره معاد است و در این آیه واژه «یوم» درباره ظهور ولایت و امامت به کار رفته است.

دشمنان پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) می‌گفتند: «... نتربص به ریب المنون»؛ ما مرگ پیامبر را انتظار می‌کشیم و با مرگ او، بساطش برچیده می‌شود؛ چون می‌توان با کتاب و قانون او مبارزه کرد، ولی با رهبر محیی و مجری قانون نمی‌توان مبارزه کرد. در غدیر خم حادثه‌ای اتفاق افتاد که کافران ناامید شدند، چنان‌که بر اساس سوره مبارکه کوثر، خدا به پیغمبر چیزی داد که دشمن ناامید شد. پیام سوره کوثر این است که خدا به پیغمبر کوثری داد که مایه بقا و دوام نبوتش خواهد بود. از این رو به آن حضرت می‌فرماید: تو ابتر، یعنی بی‌نتیجه و عقیم نیستی، بلکه دشمن تو عقیم و کارش نافرجام است: «ان شائک هو الابتر»؛ کسی که کارش بی‌هدف است و به مقصد نمی‌رسد، ابتر است. بارزترین مصداق کوثر وجود مبارک فاطمه است. پس روزی که فاطمه چشم به جهان می‌گشاید و روزی که علی(علیه‌السلام) در غدیر خم به خلافت منصوب می‌شود، دوام و بقای دین تضمین می‌شود و دشمن در آن روز ابتر و ناامید است.

بنابراین، امامت و ولایت و رهبری مایه امید مسلمانان و موجب ناامیدی کافران است. در اینجا سخن از مذهب و فرقه خاص نیست، بلکه سخن از اصل اسلام است. اگر امامت و ولایت حفظ شود، دین زنده می‌ماند.

عید ولایت در قرآن از منظر آیت‌الله جوادی آملی